فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره چهاردهم (بهار ۱۴۰۲)

تاثیـــر رسـانه جمعی در طلاق عاطفـــی

(تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۶/۳۰)

میلاد خلیلی[۱] **منا شیرازی**

کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد میبد کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد خمینی شهر

چکیده

رسـانه هـای جمعـی بـه عنـوان ابـزاری بـرای برقـراری ارتبـاط بـا عمـوم مـردم تعریـف می‌شود. رسانه های جمعـی منـابعی هسـتند کـه عمـوم مـردم بـرای گـرفتن اطلاعـات از آن‌ها استفاده می‌کنند. به عنوان مثـال بـه روشـی کـه بـرای دسترسـی بـه ایـن اطلاعـات از آن استفاده کرده‌اید، فکر کنیـد. بـه احتمـال زیـاد از اینترنـت بـرای دسترسـی بـه ایـن صفحه وب استفاده کرده ایـد. اسـتفاده شـما در دسترسـی بـه ایـن صـفحه، منبـع رسـانه های جمعی در نظـر گرفتـه مـی‌شـود. مـا هنگـام گـوش دادن بـه موسـیقی در اینترنـت، تماشای برنامه‌هـای تلویزیـونی یـا برنـام ایـن وضـعیت در طـول زمـان اتفـاق مـی افتـد و شـدت آن مـی توانـد از زوجـی بـه زوج دیگرمتفـاوت باشـد، در طـلاق عـاطفی، زنـدگی زناشویی در زیـر یـک سـقف ادامـه خواهـد یافـت امـا روابـط عـاطفی زوجـین از کیفیـت مطلوبی برخوردار نیسـت. ایـن وضـعیت مـی توانـد تـا آخرعمـر زوجـین ادامـه یابـد و یـا در مرحلـه‌ای بـه طـلاق قـانونی خـتم شـود. در طـلاق عـاطفی آسـیب هـای وارده بـه فرزنـدان بسـته بـه شـرایط سـنی و شخصـیتی شـان متفـاوت اسـت. مـثلا اختلافـات والدین و بی اعتنایی آنان بـه یکـدیگر معمـولا در کودکـان کـم سـن سـبب مـی شـود تـا عـادات غـذایی آنهـا تغییـر یابـد و دچـار کـم اشـتهایی شـوند. در فرزنـدان بزرگتـر

---

[۱] نویسنده مسئول

اختلاف ها ممکن است آنان را به احساس گناه دچا رکند و آنان فکر کنند سبب این مشکلات آنها هستند، در نتیجه خشم و رنجش خود از این موضوع را بر روی خواهر و برادر و هم سن و سالان خودتخلیه کنند. فضای مجازی و استفاده نادرست از این حوزه هم می تواند عامل و تشدید کننده طلاق عاطفی شود، پیامدهای نامطلوب طلاق عاطفی موجب می شود هر یک از زوجین تلاش کنند با برقراری رابطه‌ای جدید در فضای مجازی هیجانات و احساسات خود را بروز دهد.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، رسانه، ارتباط جمعی، فرهنگ، جامعه، اختلالات

مقدمه

خانواده قدیمی ترین و جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فر و همکاران ۱۳۸۶) جامعه ی مناسب و سالم از خلال خانواده ی سالم پدیدار می شود. و ثبات جامعه در گرو ثبات خانواده است (اعزازی ۱۳۹۵) همچنین صاحبنظران معتقدند خانواده نخستین و مهم ترین نهاد عمومی و جهانی است که برای بقا جامعه ضرورت تام دارد (شرفی , ۱۳۸۳, ۳۷). مهم ترین آسیب خانواده در حال حاضر طلاق است که بنیان خانواده را از اساس فرو می پاشد (محمدی ,۱۳۸۳)

نتایج تحقیق Gottman(۲۰۱۳)باورهای ارتباطی زوجین را پیش بینی کننده ی وقوع طلاق می داند. طلاق یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی است اما آمار رسمی طلاق بطور کامل نشان دهنده ی میزان ناکامی های زندگی زناشویی نیست طلاق هم می تواند آشکار باشد هم پنهان. در نوع آشکار طلاق بصورت رسمی صورت می پذیرد و بنیان خانواده آشکارا فرو می پاشد ولی در نوع پنهان هیچ طلاقی ثبت نمی شود. در این حالت ظاهر خانواده حفظ می شود ولی از درون متلاشی است و روابط سرد می باشد. (Momeni K. Azadifard S ۲۰۱۵). در واقع طلاق عاطفی مرحله ی قبل از طلاق قانونی و شرعی است و زوجین بنا به ملاحظات خاص ناچار به ادامه ی رابطه هستند. (باستانی , گلزاری و روشنی

۱۳۸۹). در طلاق عاطفی زوجین بنا بر دلایلی مانند افکار و رسوم سنتی حاکم بر خانواده ؛ ترس از تنهایی و نداشتن استقلال فردی و اقتصادی ؛نگرش های منفی و آزاردهنده نسبت به بانوان طلاق گرفته ؛ نگرانی بابت جدایی از فرزندان ؛ احساس شرمساری و سرافکندگی در اجتماع , بالاجبار با همسر خود زیر یک سقف زندگی می کنند. (صفائی راد و وارسته فر ۱۳۹۲)

متخصصین حوزه انسانی بر این باورند که سیر مراحل طلاق به شکل زیر است: ۱- اختلافات جزئی ۲- تکرار مجدد اختلافات جزئی و شدت گرفتن آنها ۳- قهرهای طولانی و عادی شدن آن ۴- خستگی روحی زوجین ناشی از این اختلافات ۵- طلاق قانونی (ترکمن , اسکافی, عیدگاهیان و سهرابی ۱۳۹۳).

در طلاق عاطفی زندگی فاقد مصاحبت ؛عشق و دوستی لازم است. همسران فقط روزمرگی در پیش می گیرند و روابط یا قطع شده است یا کیفیت عاطفی خوبی ندارد. (محمدی, ۱۳۸۳: ۱۱۱).

آمارهای رسمی نشان دهنده ی رشد چشمگیرطلاق حتی در استان های سنتی و کمتر توسعه یافته است. به طوری که در ۱۰ سال گذشته طلاق به میزان ۱۴۴٪ رشد داشته است. در حالیکه میزان ازدواج تنها ۵۴٪ بوده است. (بولهری و همکاران,۱۳۹۱) به طور متوسط در هر ساعت ۱۶ واقعه ی طلاق ثبت می شود که باعث می شود جایگاه ایران در سکوی چهارم جهان از نظر میزان طلاق باشد. (سازمان ثبت احوال کشور, ۱۳۹۲) بنابرآنچه گفته شد علیرغم اهمیتی که طلاق عاطفی در فروپاشی نظام خانواده و و بالطبع اجتماع دارد این مهم از نظر کارشناسان تا حدودی دور مانده است.

بخش اول: مفهوم شناسی و تحلیل اولیه موضوع

رسانه: وجود تعاریف متنوعی که برای **رسانه** وجود دارد، اگر بخواهیم تعریفی کلی ارائه کنیم می‌توان گفت؛ هر ابزار، روش و وسیله‌ای که برای ارتباط به‌کار برود، رسانه است یا رسانه را به صورت تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبانی در نقاط مختلف (منطقه، کشور

و حتی جهان) منتقل می‌کنند تعریف می‌کنیم. اصطلاح رسانه(Media) ، در کاربرد مدرن خود در رابطه با کانالهای ارتباطی اولین بار توسط مارشال مک لوهان، نظریه‌پرداز کانادایی در حوزهی ارتباطات مورد استفاده قرار گرفت و اما واژه ی رسانه در زبان فارسی واژه ی نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود. این واژه که گاه به معنای مفرد و گاه به معنای جمع به کار می‌رود، معادلی برای واژهی (Mediumرسانه ها) و نیز (Media رسانه) است(روبرت کولومبو, ۱۹۹۴:۱۷۶). رسانه های جمعی شامل کلیه مراکز اطلاع رسانی به آحاد مردم مانند:صداو سیما، روزنامه ها، مجلات اطلاع رسانی و علمی وسایت های اینترنتی می باشد(گیوریان,۱۳۹۰:۱۴۰)

ارتباط جمعی: استوتزل در کتاب روانشناسی اجتماع، می‌گوید: 'ارتباط جمعی یا بهتر بگوئیم ارتباطات در میان توده‌ها عبارت از انتقال اندیشه‌ها به تعداد فراوانی از افراد در آن واحد است.

بخش دوم: بررسی و شناخت طلاق عاطفی و نقش رسانه در این راستا

از نظر رابرت استرنبرگ، عشق از سه ضلع مختلف تشکیل شده است. یعنی رابطه عاشقانه مستلزم سه معیار مشخص می باشد:

۱. تعهد
۲. هوس جنسی
۳. صمیمیت و علاقه زیاد.

استرنبرگ، بر اساس حضور این سه محور در ارتباط، چندین مدل مختلف را معرفی می کند که یکی از آنها طلاق عاطفی می باشد. زمانیکه در یک روابط زناشویی تعهد و روابط جنسی وجود دارد اما نشانی از صمیمیت نیست، به این رابطه طلاق عاطفی می گویند. جان گاتمن تحقیقات بلند مدت زیادی بر زندگی زوجین بسیاری انجام داده که نتیجه آن می گوید:زمانی که مردها در ازدواج تاثیر مثبت همسر خود در زندگی را به

رسمیت می شناسند زندگی زناشویی شیرین تری را تجربه می کنند و از طلاق عاطفی دور می شوند. بسیاری از آقایان از ترس از دست دادن قدرت مردانه خود می ترسند اثر مثبت خانم ها در زندگی مشترک را مورد پذیرش قرار دهند!

بند اول: رسانه و فرهنگ

در زمینه تأثیر رسانه ها در عرصه فرهنگسازی سؤالاتی مطرح میشود: آیا تأثیر رسانه بر لایه های مختلف فرهنگ یکسان است؟ چه لایه هایی در معرض تغییرپذیری بیشتری قرار دارند؟ میزان و نحوهٔ تأثیرگذاری رسانه بر لایه های مزبور با چه شاخص هایی قابل تحلیل است؟ رسانه در چه عرصه های فرهنگی از توان تغییر و تعدیل برخورداراست؟ نقش رسانه در عرصهٔ جامعه پذیری وآماده سازی بستر اجتماعی چیست؟رسانه ها به باورپذیری، مفهوم سازی و اندیشه ورزی و تبیین و تعیین الگوهای فکری وانسجام بخشی به نظام های معنایی به منظور ارتقای سطح دانش و معرفت عمومی مبادرت می ورزند. آنها به تبیین و واکاوی پدیده های دنیای اطراف و طبقه بندی و معنابخشی به آنها و نمایاندن رابطهٔ افراد با محیط، ماوراءالطبیعه و سایر اعضای جامعه می پردازند. رسانه ها بسته به فرهنگ و زمینه های اجتماعی، در گرایش جامعه به یکی از الگوهای فکری وروشهای استدلالی قیاسی / استقرایی، انتزاعی / تداعیگرا، تعمیمگرا / اختصاصی، مؤثرند(بورن ,۱۰۰:۱۳۷۹). مخاطبان معمولا آنچه را میبینند و میشنوند و آنچه را ادراک میکنند تنها در زمان و زمینه ای است که به آن علاقمند باشند، به طوریکه آنچه با نظام اعتقادی و فکری آنها سازگار نباشند، به زودی فراموش میشود (خانیکی,۵۳:۱۳۷۹). ازاینروست که ژان کازینو معتقد است ارتباطات از نقش استحکام دهنده و تقویت کنندهٔ پیام های ارتباطی مبتنی بر زمینه های فکری و فرهنگی جامعه برخوردار است (کازینو، ۱۰۵:۱۳۶۴. ازاین رو است که ژان کازینو معتقد است ارتباطات از نقش استحکام دهنده و تقویت کنندهٔ پیام های ارتباطی مبتنی بر زمینه های فکری و فرهنگی جامعه برخوردار است (کازینو،

۱۰۵:۱۳۶۴). ازآنجاکه ارتباطات تعامل را تسهیل میکند و انتقال اطلاعات و دانش را ممکن میسازد، جاودان کنندۀ فرهنگ به شمار می آید و با نهادینه سازی نحوۀ نگرش جامعه به دنیا، نظام فکری و درک مردم از دنیای اطراف نقشی اساسی در توسعه بازی میکند. بدین ترتیب، رسانه های گروهی در فرایند تعلیمی و تربیتی خود به آمادهسازی اجتماعی برای تعمیق باورها و اعتقادات عمومی مبادرت میورزند (بورن، ۲۶۴:۱ -۲۶۳). رسانه ها از کارکرد عمدهای در تفسیر مردم از بایدها و نبایدها و ادراک آنان از محیط اجتماعی و فیزیکی، و به طورکلی نگرش جامعه به ارزشهای اخلاقی، احساسی و روحی و جهت دهی به قضاوتها و معیارهای اجتماعی با توجه به نقشها (شامل جنس، سن وموقعیت) و مقررات رفتاری برخوردارند (بورن، . ۱۱۵-۱۰۷) نظر به اینکه ارزشهارا نمیتوان بدون رجوع به زمینۀ اجتماعی مشخصی تحلیل کرد لذا پیام رسانه ها متن فرهنگی غنی و پرمایهای تلقی میشود که موجب بصیرت و روشن بینی در خصوص ارزشهای اجتماعی میگردد (هوور و بای,۳۷:۱۳۸۲). به نظر دالفن، رسانه های جمعی از قابلیت حفظ، توسعه و ارتقای ارزشهای فرهنگی ملی از رهگذر تبیین و نهادینه سازی آنها برخوردارند و با درگیر کردن اذهان جامعه نسبت به اهمیت این ارزشها میتوانند پیوند بین فعالیتهای فرهنگی و ارتباطات را به منصه ظهور برسانند. رسانه می تواند به ارزشگذاری به دو صورت عینی و ذهنی مبادرت ورزد. منظور از ارزشگذاری عینی، تبیین ارزشها بر اساس فضای فرهنگی و ارزشی جامعه یا عینیت زمینه ای [1]است. حال آنکه ارزشگذاری ذهنی به معنای ذهنیت سازی از طریق رویکرد توجیهی و ایدئولوژیک به اخبار و رویدادهاست. در این رویکرد، رسانه با القای مفاهیم در چهارچوب ایدئولوژی مسلط از نقش توجیهی و تبلیغی برای اشاعۀ تصمیمات متخذه و ارزش سزی و القای پیام به منظور دستکاری ذهنی برخوردار است و میتواند به ابزاری برای تداوم وضع موجود درزمینه توزیع قدرت و ثروت تبدیل شود (گروسبرگ و همکاران، ۳۲:۱۹۹۳). یکی از کارکردهای عمدۀ وسایل ارتباط جمعی را مداومت و فراگیری پیامرسانی به منظور شکلدهی به

ادراکات، ارزشها و نگرشهای مخاطبان در جهت مقاصد تبلیغی دانست. چنین دستکاری افکار عمومی به منظور جهت دهی ایدئولوژیک، به شناخت جامعه و درونی سازی ارزش های اجتماعی با هدف هویت سازی و معناجویی، رویکرد توجیهی و تفسیری رسانه ها را تشکیل می دهد.

بند دوم: رسانه و طلاق عاطفی

نظریه جهانی شدن گیدنز: آنتونی گیدنز ازجمله جامعه شناسانی است که درزمینه جهانی شدن نظرات ارزشمندی ارائه نموده است. گیدنز نقش پررنگی برای رسانه ها در فرایند جهانی شدن قائل است و بر آن تأکید میکند. به باور او، امروزه ارتباطات فردی و گروهی تسهیل شده و این ارتباطات هر چه بیشتر رواج یافته است. از دید او، عامل این تحول در جهان امروز رسانههای نوین هستند که به گسترش و فراگیری مدرنیته به تمام نقاط جهان شتاب بخشیدهاند و فضای جهانی و جوامع را دچار تحول فزاینده کردهاند. اینگونه است که مرزهای زمانی و مکانی در عصر مدرن بیمعنا شده است. از میان رفتن این مرزهای زمانی و مکانی، هویتهای فردی و جمعی را به چالش کشیده است (گیدنز، ۱۳۷۷).

سبک زندگی، هویت و روابط انسانها با یکدیگر تحت فرایند یکپارچگی شکل دیگری به خود میگیرند و مدرن میشوند؛ زیرا جهانیشدن، فرهنگ نوعی و محتوای زندگی محلی را موردتهاجم قرار میدهد و افراد را ترغیب میکند به صورتی آزادتر، انعطافپذیرتر و فردیتر زندگی کنند (گیدنز، ۱۳۷۹:۳).

نظریه عشق سیال زیگمونت باومن: باومن تحت تأثیر جامعه شناسانی مانند بودلر و زیمل به دنبال تشریح وضعیت انسان در جهان کنونی است. او با طرح موضوعاتی همچون فناوری، شهرنشینی، مصرف گرایی، در ٍ وسایل ارتباط جمعی، فضا و فردیت، در تالش برای بیان این مفهوم است که با گذشت زمان و خصوصا عصر مدرنیته چه ویژگی هایی بر روابط انسانی حاکم می شود (بهرامی کمیل، ۲۸۹:۱۳۸۸).

عدم مهارت در برقراری ارتباط، موجب بـه وجودآمـدن اخـتلاف و شـکل نگـرفتن گفتمـان صحیح و ارتباط چهره به چهره در میان اعضای خانوادهٔ زوج ها و فرزندان میشود و سردی و فاصله جای نزدیکی و گرمی در رابطه را میگیرد. بدین ترتیب روابط در زندگی ها به سردی میگراید و دیگر جذابیت های قبل را ندارد. روابط صمیمی رودررو جای خـود را بـه روابـط سرد و بی روح مجازی میدهد که باعث میشود زوج ها زمان کمتری بـه یکـدیگر و اعضـای خانواده اختصاص دهند. سردی و شکنندگی جایگزین صمیمیت، تعهد و عاطفه خواهد شد. مهمترین دستاوردی که از اینگونه فناوریهای نوین ارتباطی نصیب انسـانها میشـود، جـدایی ارتباط و رابطه است (باومن، ۱۳۹۴.)چنین مهارتهایی از میـان میرونـد یـا از یـاد میرونـد، یادگیری آنها هرگز در اولویت قرار نمیگیرد، از آنها دوری میکنند و در بهترین حالت بـا بـی میلی به آنها روی می آورند. به کارگیری آنها، در صورت لزوم، چه بسا چالشی دشوار و شاید حل نشدنی باشد. به نظر می رسد مؤثرترین دستاورد همجواری مجـازی، جـدایی ارتبـاط و رابطه است.

نظریه کاشت حاصل دو دهه تالش جرج گربنر و همکارانش است که وسایل ارتبـاط جمعـی به طور عام و تلویزیون را به طور خاص مورد پژوهش قرار دادند. گربنر معتقد اسـت امـروزه تلویزیون دارای چنان جایگاه مهمـی در زنـدگی روزمـره شـده کـه پیامهـایش از واقعیـت، جانشین تجربه ی شخصی و دیگر وسایل شناخت در جهـان شـده اسـت. او بـا تحقیـق بـر افرادی که میزان تماشای تلویزیون در آنها بالاست و مقایسه ی آنها با کسانی که کمتـر بـه تماشای این رسانه می نشینند، نتیجه گرفت از دید تماشاگرانی که زمان بسـیاری همـه ی منابع اطلاعات افکار و آگاهی ها در انحصار این رسانه است. تاثیر برخورد مکرر بـا پیامهـای شبیه به هم، تولیدکنندهٔ اثراتـی بـر مخاطـب اسـت کـه گربنـر آن را کاشـت یـا فراگیـری جهانبینی رایج، نقشها و ارزشهای متـداول مینامـد. از دیـد گربنـر متداولسـازی زمـانی رخ میدهد که دیدن بیش ازحد تلویزیون باعث نزدیک شدن اندیشه ها در گروه ها مـی شـود و همچنین تشدید زمانی روی میدهد که اثر کاشت در گروه خاصی از جمعیـت بیشـتر باشـد (محمدپور، ۱۳۸۹، ۱۳۹).

نظریه ی استفاده و خشنودی: در رویکرد مطرح شده توسط مک کوئیل و کـاتز (رضـایت و خوشنودی در استفاده از اینترنت) که به عنوان نظریه ی " روابط و مخاطب رسانه ها" نیـز معروف است به جای پیام بر مخاطب تأکید شده است(خدایاری، دانشورحسینی و سـعیدی، ۱۳۹۳:۱۷۸.)این نظریه بیشتر به چگونگی مصـرف رسـانه و همچنـین بـه خشـنودی نظـر مصرف کنندگان رسانه ها اهمیت میدهد. رویکـرد اسـتفاده و خشـنودی اسـتفادهٔ مـردم از رسانه ها میپردازد و اینکه آنها به دنبال چه نوع خشنودی هستند و چـه نـوع رضـایتی را از رسانه ها دریافت می کنند. فرض پژوهشگران این رویکرد بر آن است که مخاطبان بـه علـل استفادهٔ خود در مصرف رسانه ها واقف هستند و آنهـا را بیـان میکننـد (ویمـر و دومنیـک، ۱۳۸۴:۷۰۱). از نظر گربنر، تکنولوژی رسانهای و به ویژه تلویزیون در شکل دادن به عقایـد، نگرشها و رفتار انسانها تأثیرات اساسی دارد. در مقابل، در رویکـرد رضـایت و خشـنودی در استفاده از اینترنت که توسط مک کوئیلو کاتز عنوان شده، به جای پیام بـر مخاطـب تأکیـد شده است (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۳:۱۷۸). این نظریه بیشتر به چگونگی مصرف رسـانه و همچنین به خشنودی نظر مصرف کنندگان رسانه ها اهمیت میدهد و مخاطبان را افرادی فعال میداند رویکرد استفاده و خشنودی به مطالعـه نحـوه ی اسـتفاده مـردم از رسـانه هـا اهمیت می دهد و اینکه آنها به دنبال چه نوع خشنودی هسـتند و چـه نـوع رضـایتی را از رسانه ها دریافت میکنند. مفهوم سبک زندگی که امـروزه بـه یکـی از مفـاهیم بنیـادین در تحلیلهای اجتماعی تبدیل شده (آزاد ارمکی,۱۳۸۶؛ربانی و شیری۱۳۸۸). یکی از حوزه های جدید و مهم مطالعاتی محسوب میشود که در سالهای اخیر توجه عدهٔ قابـل مالحظـه ای از محققان اجتماعی را به خود جلب کرده است بر اساس تعریف لسلی و دیگران رفتارهایی که با قشربندی حیثیتی و اعتباری مرتبط است، سبک زندگی نامیده میشـوند. سـبک زنـدگی، فقط آنچه یک فرد دارد، نیست؛ بلکه سبک زندگی، هم الگوهای مصرف را شـامل میشـود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب میشود. سلیقه، آداب معاشرت و مد، همچنین بـر اسـاس تعریف چنی، سبک نشانه های داشتن جایگاهی در نردبان اجتماعی و نمادهـای مـرتبط بـا سبک زندگی هستند زندگی رابطه مستقیمی با هویـت افـراد دارد. در نهایـت، آسـابرگر در تعریف سبک زندگی بیشتر به موضوع مد توجه کرده و میگویـد :سـبک زنـدگی، فراگـردی

است که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل میشود. کلمه سبک، مُد را تداعی میکند. سبک زندگی معمولا با طبقه اقتصادی اجتماعی پیوند داردودر تصویری که از فرد ساخته میشود، بازتاب می یابد. بر اساس تعاریف گفته شده، مفهوم سبک زندگی ناظر به شیوه زندگی افراد بوده و در ارتباط با موضوع شبکه های اجتماعی اینترنتی از دو نظر حائز اهمیت است:

- ✓ تغییر جایگاه استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی اینترنتی در سرانه مصرف اعضای شبکه های اجتماعی اینترنتی
- ✓ تغییر نمادهای فرهنگی ناظر به شیوه زندگی در نتیجه عضویت و حضور در شبکه های اجتماعی اینترنتی که مواردی نظیر: سبک پوشش، ادبیات افراد و شیوه برقراری ارتباط با دیگران را شامل میشود.

همچنین باید توجه داشت در پس زمینه ی عُرف جامعه ما، ارزشهایی چون آبروداری، حیا و پوشش مناسب، چیزی است که همیشه مورد تاکید و پذیرش اکثر افراد جامعه قرار گرفته است؛ اما معمولا آنچه در شبکه های اجتماعی تبلیغ میشود، از نوع پوشش و آرایش و رفتار و لحن صحبت کردن، متضاد با فرهنگ جامعه ماست؛ و این رفتارها، بعد از مدتی در الیه های ذهنی مخاطب می نشیند و به رفتاری نهادینه شده در او تبدیل میشود. مسئله دیگر این است که معمولا، مخاطب اینگونه برنامه ها، احساس میکند که همسرش او را درک نمیکند و این موضوع، کشمکشی را در میان آنها ایجاد میکند؛ در حقیقت فرد، این افکار را در ذهن خود پرورش میدهد که" چرا همسر فالنی در فالن برنامه و فیلم ماهوارهای، برای او این چیزها را می خرد و آنگونه به وی محبت میکند و عشق می ورزد اما همسر من این کارها را انجام نمی دهد؟ پس حتما مرا دوست ندارد "؛ غافل از اینکه او درگیر کار و فعالیت است و اگر علاقه ای در کار نبود، کار و تالشی هم صورت نمی گرفت؛ شوهر، وقتی که از سرکار می آید و مشاهده میکند که همسرش، پای برنامه های ماهواره ای نشسته و به امور

خانه و خانواده، فرزندان و همسرش توجهی ندارد، باب اختلافات باز میشود و کم کم، اوضاع و شرایط بسیار ناجور خواهد شد.

نتیجه گیری

از نظر روانشناسی طلاق عاطفی دلایل مختلفی می توانند موجب ایجاد طلاق عاطفی بین زن و شوهرها شوند. به همین جهت نمی توان طلاق عاطفی را مشکلی یک شبه دانست. در مواقعی که زن و شوهر ها از درگیری های خود به سادگی گذر کنند و اقدام به رفع آن اختلافات نکنند و یا جنگ و دعواها بی سر و ته کنار گذاشته نشوند و به رفع و حل آن مشکلات نپردازند، زمینه ی ایجاد طلاق عاطفی در آن ها ایجاد خواهند شد. در این صورت مشکلات بین زن و شوهرها نه تنها به مرور زمان کمتر نمی شود، بلکه روز به روز تشدید پیدا کرده و می تواند منجر به طلاق عاطفی گردد. این مشکلات به مرحله ای می رسند که زن و شوهرها ترجیح می دهند به خاطر بچه های خود در کنار همدیگر زندگی کنند. طلاق عاطفی یک نوع مکانیزم دفاعی یا راهی برای مقابله با تهدید بهزیستی عاطفی فرد می باشد. طلاق عاطفی ممکن است قبل یا بعد از طلاق قانونی رخ دهد و از نظر روانشناسی، ممکن است از امضای برگه های طلاق نیز مهم تر باشد. تجربه ی طلاق عاطفی پیش از طلاق قانونی، ممکن است مقدمه ای بر پایان اجتناب ناپذیر زندگی زناشویی باشد و تجربه ی طلاق عاطفی پس از طلاق قانونی، نشانه کنار آمدن با اتمام زندگی مشترک می باشد. طلاق عاطفی یک واکنش و مکانیسم روانشناسی است که زوج بعد از احساس عدم موفقیت در زندگی مشترک که به خاطر نبود مهر و محبت و عاطفه در بین زوج یا خشونت جسمی از طرف همسر شکل می گیرد. وقتی شما از همسر خود طلاق عاطفی می گیرید، در واقع شما احساسات و عواطف خود را از او دریغ می کنید. برای برخی از زوجین، طلاق عاطفی معمولا قبل از اقدام به طلاق اتفاق می افتد. زندگی ها به یکباره از بین نمی روند. اگرچه بعضی از مواقع، طلاق به مانند یک بمب پرتاب شده عمل می کند و ناگهان پایان زندگی مشترک رخ می دهد. اغلب حتی فردی که طرد شده است، ابراز شگفتی می کند. در صورتی که با شناخت نشانه های طلاق عاطفی، طلاق قانونی شگفت انگیز نخواهد بود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- امیدوار,ی. جوکار کمال آبادی,م. پاکیزه,ع. (۱۳۹۴) مقایسه ی ویژگیهای ذاتی در زوجین متقاضی طلاق و عادی. همایش بین المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی.
- اسکافی,م. (۱۳۹۳). اثر شبکه اجتماعی در طلاق عاطفی(مورد مطالعه شهر مشهد) دکتری تخصصی دانشگاه تهران مرکز, استادراهنما دکتر فرح ترکمان.
- باستانی,س. گلزاری,م. روشنی ,ش. (۱۳۹۰). پیامد طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن,"فصلنامه ی خانواده پژوهی,(۲۶)۷, ۲۴۱-۲۵۷.
- باومن,زیگمونت,(۱۳۹۴). عشق سیال(چاپ هفتم). ترجمه:عرفان ثابتی,تهران:ققنوس.
- زمانی, س. احدی,ح,عسگری,پ. (۱۳۹۳). رابطه طلاق عاطفی با تصویر کمال گرایی, مطالعات شناختی,۱ (۴),۱۱۹-۱۳۶.
- آزادارمکی, تقی. (۱۳۹۳). "هم خانگیپیدایش شکل های خانواده در تهران",جامعه پژوهی فرهنگی,سال سوم,شماره ۱, ۴۳-۷۷.
- چلبی, مسعود. (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم؛تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی, تهران, نی.
- حسینی,ف. نجفی,م. محمدی فر,م ,ع. (۱۳۹۸)رابطه ی پنج صفت بزرگ شخصیت باافسردگی؛ نقش میانجگری عزت نفس و خودکارآمدی.
- صفایی راد, س. وارسته فر,ا(۱۳۹۲). رابطه ی بین طلاق عاطی زوجین و زنان مراجعه کننده به دادگاه های شرق تهران۱۳۹۰. پژوهش اجتماعی,۶(۲۰), ۸۵-۱۱۶.
- صمدی فرد,ح,ر. نریمانی,م. میکائیلی,ن. شیخ الاسلامی,ع. (۱۳۹۵). نقش مولفه های اجتناب شناختی و باورهای فراشناختی در پیش بینی طلاق عاطفی همسران. پژوهش های مشاوره, ۱۵(۵۹),۳۵-۷۵.

- عاشوری, ج. خالقی دهنوی,ف. صفاریان م ر. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر فرا شناخت درمانی بر میزن رضایت زناشویی زنان. زن و مطالعه خانواده,۶(۲۴),۵۳-۶۵.
- گروسی فرشی, م. (۱۳۸۰),رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت,تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت. تبریز؛ نشرجامعه پژوه.
- گیوریان, حسن(۱۹۶۰). بررسی تاثیر رسانه برمسئویت اجتماعی سازمانهای دولتی,علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی, فصلنامه مطالعات رسانه ای, شماره دوازدهم.
- کازینو, ژان(۱۳۶۴). جامعه شناسی رادیو و تلویزیون,مترجم جمشید ارجمند,انتشارات سروش,۱۳۵۲ .
- محمدی, ز(۱۳۸۳). بررسی آسیب های اجتماعی زنان دهه ی (۸۰-۷۰)تهران:روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ویمر, راجردی,(۱۳۸۴) تحقیق در رسانه های جمعی,ترجمه کاووس سید امامی, تهران: سروش.

ب) منابع لاتین

- Momeni, Kh. Azadifard, S(۲۰۱۵) Family Pathology, Counseling and Enrichment JournalVolume:۱ Issue: ۲. [persian],
- Gottman, J. M. (۱۹۹۹) The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy. WW Norton & Company.